

## شهید عبدالطیف حیدرزاده



از بشارت علی  
سماحه جامع سرداران و هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	عباس
تاریخ تولد	۱۳۳۴/۰۸/۱۰
محل تولد	بوشهر – گناوه
تاریخ شهادت	۱۳۶۱/۰۱/۰۲
محل شهادت	شوش
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	جهادگر
شغل	کارمندشیلات
تحصیلات	دیپلم
مدفن	گناوه

## زندگینامه

شهید در یک خانواده کاملاً مذهبی در محیطی سرشار از ایمان متولد شد قبل از دوران مدرسه قرآن را فرا گرفت و در سن هفت سالگی شروع به درس خواندن نمود دوران ابتدایی و متوسطه را با نمرات و انضباط خوبی به پایان رسانید و برای سال چهارم دبیرستان بخاطر عدم توانایی پدر عازم آبادان منزل برادر گردید و دوره دبیرستان را با موفقیت به پایان رسانید و دیپلم خود را اخذ نمود سپس روانه گناوه گردید و با شروع جنگ تحمیلی فعالیت خود را در بسیج آغاز نموده پس از مهاجرت خانواده‌های جنگ زده با همت دیگر برادران بنیاد امور جنگ زدگان را به راه انداخت و مسئول تدارکات این بنیاد گردید پس از مدتی فعالیت در این ارگان در تاریخ ۱۳۶۰/۰۴/۰۲ با عده‌ای از برادران نیز عازم جبهه غرب کشور شدند و پس از یک اقامت ۳ ماهه در جبهه مریوان و استقامت در برابر دشمنان خدا به علت اتمام مأموریت عازم گناوه شدند و پس از مدتی فعالیت از طرف فرماندار به معاونت شیلات گناوه منصوب شد و در این اداره چنان از خود اینثار و فعالیت نشان داد که هفته‌ای یک بار هم منزل از او خبری نداشتند با کوشش وی شیلات گناوه بنام فرزند یک صیاد که شهید شده بود نامگذاری شد و به مجتمع شهید غلامی تبدیل گردید او پیرو راستین خط امام بود مانند سد مقابله می‌ایستاد علاقه زیادی به جبهه داشت و چون یک بار رفته بود و برادرهایش با جبهه رفتنش موافقت نمی‌کرد و شهید با زور از طریق کازرون و بدون دخاحافظی از مادر و برادران عازم شوش گردید و بی‌سیم چی خط بود و سرانجام با خدای خود تماس گرفت و در حمله فتح‌المبین به دیدار معشوق خود شتافت و در تاریخ ۱۳۶۱/۰۱/۰۲ به لقا الله پیوست.

## وصیت نامه

به راستی که هر کس خدا را یاری کند خداوند او را یاری خواهد کرد.

و اما این شهادت نامه را برای شما راهروان راه الله هدیه می کنم باشد همواره موفق و مؤثر باشید . سپاس خدایی را که جان داد تا در راهش جانفشانی کنیم و درود بیکران به یگانه منجی عالم بشریت محمد مصطفی(ص) و فرزندش خمینی کبیر که این جانها را به حرکت در آورده در راه صحیح هدیه شوند بارها خواستم بزرگترین و با ارزش ترین چیزی که در زندگی دارم فدای اسلام نمایم هر بار که پیش رفتم مورد قبول واقع نگردیدم و اما این بار که لطف و عنایت خداوندی شامل حال شده سپاس گذارم و اما شما پیروان خط خمینی کبیر بتأزید بر دشمن دین و به حرفی جز حرف روحانیت گوش ندهید بدرستی که این روحانیت بودند که ما را بیدار کردند و اینانند که ما را به صراط مستقیم راهنمایی می کنند .

شما مادرم غصه نخور که فرزندی را از دست دادی ناراحت باش که چرا یکی از آنها را هدیه کردی . بشتاب تا مادری نمونه برای اسلام عزیز باشی . در زندگیم فقط شما را داشتم هیچگاه به کسی جز شما فکر نمی کردم همواره می خواستم برنامه ای پیش آید تا دین خود را نسبت به شما ادا کنم .

اینجا که در آن پاداشی بزرگ است مبدا به حرفهایی که باعث ناراحتی خدا و خلق می شود گوش دهی مگذار اولیا ۱ شیطان در جسم و روح نفوذ کند و اجرت را ضایع نمایند ، اکنون چشم مسلمانان واقعی به توسل خون سرخ فرشی راهت باد برای برادران عزیزم که همواره سنگینی زندگیم بر دوش شما بود و بارها بخاطر من ناراحت شدید اکنون شما برادر یک شهید هستید افتخار بکنید که مقامی بالا یافته اید مقامی که همه کس لیاقت آنرا ندارند و این افتخار را مدیون رهبر کبیر انقلاب باشید دعایش کنید و راهش را راه خود بدانید و خواهران خوبم بدانید که شما زینبان زمانید این مقامی است بس بزرگ پس پیام حسین زمان خمینی بزرگ را به گوش جهانیان برسانید که این خواست من و راه من است و شما ای ملت اسلام همواره بگویید خدایا ، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار .

جسدم را از شیلات حرکت دهید تا کوردلان بدانند که امت خمینی هم در سنگر اقتصادی و هم در سنگر جنگ مبارزه کردند و پیروز شدند و راه شهیدانشان ادامه دارد .  
سرباز اسلام عبدالطیف حیدرزاده



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران